

نقش انتقال انرژی در روابط ترکمنستان با روسیه

الهه کولایی*

استاد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

حمیدرضا عزیزی

دانشجوی مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۷/۵ - تاریخ تصویب ۸۹/۱۱/۶)

چکیده

فروپاشی اتحاد شوروی سبب ایجاد تحول عظیمی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز شد. در پی این واقعه، جمهوری‌های سابق اتحاد بر آن شدند تا با ارزیابی دوباره از توانایی‌ها و محدودیت‌های خود، راه خویش را به سوی استقلال واقعی هموار کنند. در این میان، جمهوری‌های بی‌نیاز از نظر منابع انرژی، نقش دوگانه این عامل را در روند استقلال خویش مشاهده کردند. هرچند وجود منابع انرژی به‌عنوان سرمایه‌ای خدادادی فرصتی استثنایی برای این کشورها تلقی می‌شد؛ اما در همان حال، وابستگی آنها به مرکز سابق (روسیه) برای انتقال انرژی به بازارهای مصرف، چالش‌های گوناگونی را برای این کشورها پدید آورده است. ترکمنستان یکی از این جمهوری‌ها است که منابع عظیم گاز طبیعی، از دیرباز موقعیت ژئواکونومیک برجسته‌ای به آن اعطا کرده و این موقعیت پس از استقلال برجسته‌تر شده است. تلاش ترکمنستان برای کسب آزادی عمل در زمینه انتقال انرژی و کسب منافع بیشتر و در برابر، تلاش روسیه برای حفظ انحصار خود در انتقال انرژی از اوراسیای مرکزی، ویژگی خاصی به روابط متقابل دو کشور بخشیده است. در این نوشتار همراه با شناخت این جنبه‌ها و نقش آن در رابطه دو کشور، نقش دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز در این روند بررسی شده است.

کلید واژه‌ها

ترکمنستان، روسیه، انتقال انرژی، خطوط لوله، گاز طبیعی، امنیت انرژی.

* Email: ekolaee@ut.ac.ir

مقدمه

فروپاشی شوروی سبب ایجاد تحول عظیمی در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز شد. کشورهایی که تا آن زمان از جنبه‌های گوناگون به مرکز (روسیه) وابسته بودند، حال با مفهومی از استقلال روبرو شده بودند که چالش‌ها و فرصت‌های زیادی را پیش روی آنان قرار می‌داد. یکی از این جنبه‌های وابستگی انتقال انرژی بود. از جمله کشورهای بااهمیت از نظر انرژی برای شوروی، ترکمنستان بود. در دوران شوروی صادرات گاز ترکمنستان از راه سیستمی شبیه به بندناف فولادی^۱ انجام می‌شد؛ یعنی یک سیستم متحد خط لوله که تمام قلمروی شوروی را در بر می‌گرفت. گاز تولید شده در ترکمنستان از راه خط لوله مرکز آسیای مرکزی^۲، با گذر از ازبکستان و قزاقستان و روسیه به بخش اروپایی شوروی جریان می‌یافت. سپس به خط لوله سبیری - غرب اروپا متصل می‌شد که امکان می‌داد گاز تولید شده در شوروی به دولت‌های اقماری در شرق اروپا و در نهایت به بخش غربی قاره اروپا برسد (Anceschi, 2009, p. 85).

پس از فروپاشی شوروی، این خط لوله در اختیار روسیه قرار گرفت و این امر سبب شد انتقال انرژی از ترکمنستان که تا آن زمان مسئله‌ای داخلی بود به موضوعی دیپلماتیک تبدیل شده و اهمیتی سیاسی و گاه امنیتی بیابد. از همین زمان «امنیت انرژی» به محوری مهم در منطقه تبدیل شد. امنیت انرژی بیشتر به عنوان دسترسی به منابع انرژی مورد نیاز برای توسعه قدرت ملی تعریف می‌شود. جنبه‌های ژئوپلیتیک این استراتژی کلان، کنترل بر منابع انرژی و خطوط عرضه را پیش فرض می‌گیرد (Shaymergenov, 2006, p. 10). تلاش‌های روسیه در جهت حفظ انحصار خود در انتقال انرژی از منطقه پیشین شوروی، از جمله ترکمنستان و واکنش‌های طرف مقابل که گاه حالتی تسلیم‌آمیز و گاه ضد انحصار طلبانه داشته تأثیر عمیقی بر روابط متقابل ترکمنستان با روسیه داشته است.

در این مقاله سعی شده است که با بررسی این پویاها، نقش عامل انرژی در روابط ترکمنستان با روسیه را دریابیم. پرسش اصلی ما این است که انتقال انرژی چه تأثیری بر روابط ترکمنستان با روسیه داشته است؟ فرضیه ما این است که وابستگی ترکمنستان به خطوط انتقال انرژی روسیه، باعث همسویی این کشور با روسیه در عرصه عملی سیاست خارجی آن

1. Steel Umbilical Cord
2. Central Asian Centre (CAC)

شده است. آغاز بحث با نگاهی به منابع انرژی روسیه و ترکمنستان خواهد بود. سپس به مسیرهای کنونی انتقال انرژی و نیز دیگر گزینه‌های احتمالی اشاره می‌شود. بخش بعدی به نقش انرژی در روابط ترکمنستان با روسیه اشاره دارد. به نقش بازیگران فرامنطقه‌ای فعال در عرصه انرژی در روابط این دو کشور هم اشاره خواهد شد.

اهمیت منابع انرژی روسیه و ترکمنستان^۱

الف- روسیه

هنوز ذخایر داخلی روسیه در حدی هست که آن را به‌عنوان یک ابرقدرت انرژی نگاه دارد. در بخش نفت، روسیه با در اختیار داشتن ذخایری به میزان ۶۰ میلیارد بشکه مقام هشتم را در جهان دارد؛ در حالی که در زمینه تولید و صادرات نفت، به‌ترتیب با میزان ۹/۸۷ میلیون بشکه در روز و ۷/۰۱ میلیون بشکه در روز مقام دوم را در جهان دارد (سال ۲۰۰۷). در بخش گاز طبیعی هم روسیه در هر سه بخش ذخایر (۴۷/۵۷ تریلیون متر مکعب)، تولید (۶۵۳/۱ میلیارد متر مکعب در سال) و صادرات (۱۷۸/۹ میلیارد متر مکعب در سال) رتبه نخست در سطح جهان را دارد. اما وجود این ذخایر غنی و ظرفیت بالای تولید و صادرات سبب نشده که روسیه خود را از منابع انرژی دیگر کشورها، به‌ویژه حوزه نفوذ سابق آن، آسیای مرکزی بی‌نیاز ببیند. این موضوع به‌خصوص در بخش گاز طبیعی به‌چشم می‌خورد، چنانکه روسیه سالانه در حدود ۵۶ میلیارد متر مکعب گاز وارد می‌کند که منبع تأمین آن آسیای مرکزی است. روسیه در پی ارتقای ظرفیت صادرات خود به بازار اروپا تا سقف ۲۵ درصد تقاضای گاز مصرفی اروپا بوده است (ابراهیمی، ۱۳۸۴، ص ۷۳).

همان‌گونه که گفته شد روسیه برای رسیدن به این هدف علاوه بر ذخایر خود، به ذخایر گاز آسیای مرکزی نیز توجه دارد. کمبود میزان تولید و صدور گاز توسط گازپروم باید توسط ذخایر آسیای مرکزی برطرف شود (رمضان زاده و حسینی، ۱۳۸۹، ص ۲۴). از سوی دیگر کنترل انحصاری روسیه بر خطوط انتقال گاز از آسیای مرکزی، ابتکار عمل در زمینه قیمت‌گذاری را

۱. آمارهای این بخش برگرفته از منبع زیر است:

<http://tonto.eia.doe.gov/cfapps/ipdbproject/IEDIndex3.cfm?tid=3&pid=26&aid=24>, (2010/04/27)

به روسیه می‌دهد. به نظر نمی‌رسد روسیه به دلایل رقابتی اجازه انتقال سریع گاز آسیای مرکزی به بازارهای اروپایی را بدهد (عیسی زاده، ۱۳۸۳، ص ۸۰). در جهت تأمین این اهداف، ترکمنستان با توجه به داشتن ذخایر قابل توجه گاز، برای روسیه اهمیت بسیار دارد.

ب- ترکمنستان

مهمترین منابع نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز در پنج نقطه مهم شمال دریای خزر، جنوب دریای خزر، شمال اوست یورت و منقشلاق و حوزه آمودریا قرار دارد. ترکمنستان در بخش جنوبی خزر قرار دارد و بخش‌هایی از آمودریا را نیز در خود دارد (فیاضی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲). میزان ذخایر گاز این کشور در سال ۲۰۰۷، ۲/۸۳ تریلیون متر مکعب برآورد شده بود که در دنیا مقام چهاردهم و پس از روسیه، مقام دوم را در میان کشورهای مشترک المنافع دارا بود. ترکمنستان در زمینه صادرات گاز رتبه ششم جهان را دارد. البته کشف یک میدان جدید گازی در ترکمنستان در سال ۲۰۰۹، به نام «یولوتان جنوبی - عثمان»، اهمیت گاز ترکمنستان را بیش از پیش ساخت (ایراس، ۱۳۸۸/۷/۲۵).

ترکمنستان دارای ذخایر نفت نیز هست. ذخایر نفت این کشور ۶۰۰ میلیون بشکه برآورد شده است که در رتبه چهلم جهانی جای می‌گیرد. میزان تولید نفت آن در حد مطلوب نیست. آذربایجان بر کل مجموعه تأسیسات حفاری بازمانده در خزر، بعد از فروپاشی شوروی و نیز دیگر تسهیلات مورد نیاز مالکیت دارد و ترکمنستان روابط چندان مساعدی با این کشور ندارد (Laumlin, 2006, p. 21). این امر بیشتر به اختلاف در مورد رژیم حقوقی دریای خزر و مالکیت برخی میدان‌های نفتی مربوط می‌شود (Roberts, 2003, p.144-145).

همچنین به دلیل انحصار دولت در مالکیت منابع، تنها ۶/۵ درصد برای شرکت‌های خارجی باقی می‌ماند (Helsop, 2003, p. 188). ذخایر انرژی ترکمنستان به عنوان منبع اصلی درآمد در دوران پس از استقلال مورد توجه قرار گرفت. در سند توسعه‌ای که در سال ۱۹۹۳ برای افزایش رشد اقتصادی ترکمنستان تدوین شد، تأکید اصلی بر جذب سرمایه در بخش گاز این کشور بود (Kahveci, 2003, p. 224). اما موضوع مهم دیگری که در کنار بحث سرمایه در رابطه با بخش گاز این کشور اهمیت دارد، خطوط لوله و مسیرهای انتقال گاز است.

مسیرهای انتقال گاز ترکمنستان

رهبری ترکمنستان پس از استقلال، بخش انرژی و درآمدهای حاصل از آن را به عنوان محور توسعه این کشور مورد توجه قرار داد. مهمترین چالشی که در برابر ترکمنستان وجود داشته، محصور بودن آن در خشکی و نبود ارتباط با آب‌های آزاد بود. روسیه به عنوان میراث دار اتحاد شوروی، انحصار خطوط لوله در آسیای مرکزی را در اختیار داشته است. این امر از سویی ارتباط مستقیم ترکمنستان با بازارهای مصرف را غیرممکن کرده و از سوی دیگر ابزاری سیاسی و اقتصادی برای روسیه جهت اعمال فشار بر این کشور ایجاد می‌کرد. در نتیجه، ترکمنستان برای جذاب کردن سرمایه‌گذاری در بخش گاز خود برای سرمایه‌گذاران غربی و نیز کاهش وابستگی خود به روسیه، از همان زمان یافتن مسیرهای جدید برای صادرات گاز را مورد توجه قرار داد. مسیرهای فعال صادرات گاز ترکمنستان و نیز گزینه‌های مطرح شده، به ترتیب زمانی عبارتند از:

۱- خط لوله مرکز آسیای مرکزی (CAC):

این خط لوله بخشی از خط لوله سراسری اتحاد شوروی بود که در سراسر سرزمین‌های اتحاد، گاز را از میدان‌های تولید به مناطق مصرف و نیز بازارهای مصرف در اروپا انتقال می‌داد. خط لوله آسیای مرکزی گاز طبیعی مخزن‌های دولت آباد را از مسیر ازبکستان و قزاقستان به ساروتف در روسیه می‌رساند (عیسی زاده، ۱۳۸۳، ص ۷۹).

این خط لوله که حدود ۲۰۰۰ کیلومتر طول دارد، سالانه در مجموع ۹۰ میلیارد متر مکعب گاز را از میدان‌های مختلف به روسیه انتقال می‌داد (Olcott, 2006, p. 222). پس از استقلال اولین و تنها گزینه ترکمنستان، انتقال گاز از راه همین خط لوله بود. روسیه در پی ایجاد خطوط لوله دیگری در مسیری مشابه بود و در سال ۲۰۰۷ قراردادی را نیز با ترکمنستان و قزاقستان برای احداث این خط لوله امضا کرد (حیدری، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

۲- خط لوله ایران:

پس از استقلال ترکمنستان، مسیری که توسط کارشناسان برای صادرات گاز ترکمنستان به اروپا از نظر تجاری و اقتصادی مناسب تشخیص داده شد، مسیر ایران و ترکیه به بازارهای اروپا بود. این خط لوله با توجه به روابط خوب ایران و ترکمنستان، برای خود ترکمنستان هم اولویت داشت. مذاکرات در مورد این خط لوله در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ آغاز شد. هدف، ساخت خط لوله‌ای به طول ۱۴۰۰ کیلومتر از ایران به بازارهای اروپا بود. ظرفیت این خط لوله ۲۸ میلیارد متر مکعب در نظر گرفته شده بود که از ترکمنستان و ایران تأمین می‌شد. اقدام‌های اولیه در این راستا در حال برنامه‌ریزی بود که ترکمنستان در سال ۱۹۹۶ ناگهان خود را از پروژه کنار کشید. دلیل این امر هم مخالفت آمریکا با طرح‌های مرتبط با ایران و تلاش برای منزوی کردن ایران بود (Olcott, 2006, p. 212).

اما ایده ساخت یک خط لوله ترکمن-ایرانی وجود داشت و سبب شد که قرارداد خط لوله کرپژ-کردکوی بین دو کشور به امضا برسد. این خط لوله که در سال ۱۹۹۷ به بهره‌برداری رسید، حوزه‌های گازی غرب ترکمنستان را به کردکوی در شمال ایران متصل می‌کند و ۱۹۰ کیلومتر طول دارد. البته ارتباط گازی ترکمنستان و ایران به این خط لوله محدود نماند. مرحله نخست خط لوله دوم گاز ایران و ترکمنستان در ۶ ژانویه ۲۰۱۰ به بهره‌برداری رسید که قابلیت افزایش صادرات گاز ترکمنستان به ایران را تا ۱۴ میلیارد متر مکعب در سال دارد (BBC, 6/1/2010).

۳- خط لوله ماورای افغان

طرح دیگری که در ابتدای استقلال ترکمنستان مورد توجه قرار گرفت، خط لوله ماورای افغان بود که گاز ترکمنستان را از راه افغانستان به پاکستان انتقال می‌داد. موضع آمریکا در برابر خط لوله ایران نیز باعث شد این پروژه جدی‌تر مطرح شود. پروژه ماورای افغان از سال ۱۹۹۳ مطرح شد و در سال ۱۹۹۵ در این زمینه توافق اولیه انجام گرفت. شرکت یونوکال^۱ به‌عنوان مجری اصلی وارد پروژه شد، ولی با حکومت طالبان به توافق نرسید. یونوکال از طرح اصلی خود منصرف نشد و در سال ۱۹۹۷ پروژه «سنت گاز»^۲ را مطرح کرد؛ طرحی ۱۲۷۱ کیلومتری

1. Unocal
2. Cent Gas

که از مرز ترکمنستان و افغانستان تا مولتان پاکستان ادامه می‌یافت و در آنجا به خط لوله‌ای که از پاکستان به هند وجود داشت، متصل می‌شد.

ترکمنستان وظیفه کشیدن خط لوله‌ای ۱۶۹ کیلومتری از دولت آباد تا مرز افغانستان را به‌عهده داشت. اقدام‌های خشونت طلبانه طالبان در افغانستان و همچنین بی‌ثباتی و ناامنی در این کشور سبب شد تا یونوکال در سال ۱۹۹۸ خود را از پروژه کنار بکشد. سرانجام موافقت‌نامه نهایی این خط لوله در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۰ در عشق آباد، پایتخت ترکمنستان به امضا رسید. طول این خط لوله گاز ۱۷۳۵ کیلومتر و ظرفیت انتقال آن ۳۳ میلیارد متر مکعب خواهد بود که با هزینه‌ای بالغ بر ۸ میلیارد دلار ساخته می‌شود (برنامه اوراسیای مرکزی، ۱۳۸۹).

۴- خط لوله ماورای خزر:

این خط لوله در سال ۱۹۹۹ توسط آمریکا مطرح شد. آمریکا پس از کسب موفقیت در امضای موافقت‌نامه خط لوله نفت باکو- تفلیس- جیهان خواست که خط لوله گازی را نیز به موازات آن بسازد. این طرح بر مبنای انتقال گاز ترکمنستان از زیر دریای خزر به آذربایجان، گرجستان، ترکیه و در نهایت به اروپا استوار بود. از نظر واشنگتن سیستم گسترده‌تر امنیت انرژی که حاصل مجاری بیشتر انتقال انرژی است، منافع دولت‌های محلی و سرمایه‌گذاران خارجی را بیشتر تأمین می‌کند (Shaymergenov, 2006, p. 15).

بنابراین، این طرح با هدف اصلی شکستن انحصار روسیه مطرح شده بود، ولی در کنار آن هدف دیگر آمریکا، یعنی منزوی کردن ایران را نیز مورد توجه قرار می‌داد. مشخص نبودن رژیم حقوقی دریای خزر و مشکلات زیست محیطی ناشی از عبور خط لوله از بستر دریا از جمله عوامل مخالفت روسیه و ایران با این طرح بوده است (Olcott, 2006, p. 212).

در همان زمان یک میدان گازی عظیم در شاه دنیز آذربایجان کشف شد. این موضوع سبب شد آذربایجان نیز خواهان سهمی در انتقال گاز از راه این خط لوله شود، ولی نتوانست در مورد میزان این سهم با نیازاف به توافق برسد (Roberts, 2004, p. 76). این عوامل سبب شد این طرح نیز اجرایی نشود.

۵- خط لوله چین

چین در آستانه سده جدید، فعالیت‌هایش را در آسیای مرکزی شدت بخشید. دیپلماسی انرژی چین چند مؤلفه دارد. تلاش برای کاهش وابستگی به خلیج فارس، به‌عنوان منطقه تحت نفوذ آمریکا، برقراری روابط با تولیدکنندگانی که کمتر تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا هستند؛ تلاش برای دستیابی به رابطه دوجانبه با تولیدکنندگان انرژی برای مراقبت از خود در مقابل نوسان‌های تولید و تلاش برای تأمین انرژی از مسیرهای زمینی روسیه و آسیای مرکزی که سیطره دریایی آمریکا را بی‌اثر می‌کند (امامی میدی و اسماعیلی، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

چین و ترکمنستان در سال ۲۰۰۶ برای ساختن یک خط لوله از ترکمنستان به چین به توافق دست یافتند که از ازبکستان و قزاقستان می‌گذرد. طول این خط لوله حدود ۷۰۰۰ کیلومتر پیش بینی شد و گاز میدان‌های آمودریا را به ارومچی در غرب چین منتقل می‌کند. بیش از ۴۵۰۰ کیلومتر آن نیز داخل خاک چین قرار دارد (Overland & Tromso, 2009, p. 10). این خط لوله در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹ افتتاح شد و هنگامی که این خط لوله در سال ۲۰۱۳ به حداکثر ظرفیت خود برسد، سالانه ۴۰ میلیارد متر مکعب گاز را انتقال می‌دهد (BBC, 15/12/2009).

۶- خط لوله نابوکو

بر اساس طرح خط لوله نابوکو، قرار است گاز کشورهای آسیای مرکزی از زیر بستر دریای خزر و از راه جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه و بلغارستان به اروپای غربی انتقال یابد. از این جنبه می‌توان گفت این پروژه با طرح ماورای خزر شباهت‌هایی دارد. شروع گفت‌وگوهای این پروژه در سال ۲۰۰۴ بود و در ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۹ با امضای کشورهای مسیر انتقال و مصرف‌کننده وارد مرحله جدیدی شد. در ۹ و ۱۰ آوریل ۲۰۰۸ اعلام شد ترکمنستان قصد دارد از سال بعد ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز را به نابوکو اختصاص دهد (Anceschi, 2008, p. 45).

تأثیر انتقال انرژی بر روابط ترکمنستان با روسیه

در این بخش با نگاهی به روابط ترکمنستان با روسیه از زمان فروپاشی اتحاد شوروی تاکنون، بر تحولات حوزه انتقال انرژی تمرکز می‌کنیم تا تأثیر آن را بر این رابطه نشان دهیم. بر این اساس و با تکیه بر تحولات گفته شده، سه دوره در روابط دو کشور قابل تشخیص است.

الف- از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۰۰

این دوره از استقلال ترکمنستان آغاز شده و در طول دهه ۱۹۹۰ میلادی ادامه یافت و می‌توان آن را دوره کشمکش و زورآزمایی نام نهاد. در سال ۱۹۹۳ در ترکمنستان برنامه‌ای با نام «شکوفایی ده ساله»^۱ تدوین شد که مدتی بعد نام آن به «ثبات ده ساله»^۲ تغییر کرد. هدف این برنامه تدارک رایگان کالاهای عمومی (از قبیل برق و گاز) برای همه شهروندان بود (Ganzi, 2004, p. 162; Bohr, 2003, p. 9). از نظر بین‌المللی انگیزه استقلال‌طلبی پیش از هر چیز در موضع ترکمنستان در برابر جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (CIS) بازتاب یافت. ترکمنستان بر خلاف دیگر جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع، برای سیاست‌های گمرکی آزاد و با محدودیت کمتر به توافق نرسید (کولایی، ۱۳۸۹، صص ۱۲۷-۱۲۳).

از دید رهبر ترکمنستان، استقلال واقعی برابر با وابسته نبودن به منابع خارجی قدرت بود (Anceschi, 2008, p. 37) سیاست «بی‌طرفی» که در ژوئیه ۱۹۹۲ توسط نیازاف مطرح شد، بر روابط خوب با همه کشورها و پرهیز از ورود به هرگونه بلوک‌بندی امنیتی، سیاسی و اقتصادی تأکید کرد (موسوی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲). ادامه این روند تا سال ۱۹۹۶ و پایان دوره کوزیرف که دیدگاه غرب‌گرایانه را بر دستگاه سیاست خارجی روسیه حاکم کرده بود، سبب شد سیاست خارجی این دو کشور در جهت‌های مخالف یکدیگر توسعه یابد.

در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ قراردادهایی هم در حوزه‌های دفاعی و استراتژیک و حفاظت از مرزها بین دو کشور امضا شد که روسیه در آنها در عمل نقش برتر داشت (Sir, 2006, pp. 132-135). به‌علاوه، ترکمنستان تنها کشوری از مجموعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بود که با روسیه قرارداد تابعیت مضاعف امضا کرد (کولایی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۴). به‌نظر می‌رسد در نخستین سال‌های پس از فروپاشی، موضوع انتقال انرژی حوزه دریای خزر همچنان برای روسیه به‌عنوان مسئله‌ای داخلی مطرح بود. انحصار خط لوله انتقال انرژی به تقویت این باور کمک می‌کرد. منابع انرژی آسیای مرکزی همچنان به‌عنوان منبع تغذیه کشورهای غرب روسیه و به‌ویژه اوکراین مورد استفاده قرار گرفت و روسیه سعی کرد از آن برای تنظیم روابط کشورها در چارچوب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع استفاده کند. اما بدهی این کشورها به

1. Ten years of prosperity
2. Ten years of stability

ترکمنستان روز به روز بیشتر می‌شد. همین موضوع سبب شد ترکمنستان در نوامبر ۱۹۹۴ تحویل گاز به اوکراین را به حال تعلیق درآورد (Sir, 2006, pp. 136-137).

این رخداد آغاز تلاش‌های استقلال‌طلبانه ترکمنستان در برابر روسیه بود، که سبب شد از سویی بحث خطوط لوله جایگزین از سوی ترکمنستان به شکلی جدی‌تر دنبال شود و از سوی دیگر تلاش برای تثبیت بی‌طرفی به‌عنوان ابزاری حقوقی در مقابل فشارهای روسیه شدت گیرد. اما به موازات آن روسیه بر ادامه نقش خود در تأمین نیازهای انرژی منطقه تأکید کرد و اهمیت جلوگیری از حضور کشورهای غربی در حوزه‌های نفتی و دیگر منابع انرژی آسیای مرکزی و پیرامون روسیه را متذکر شد (کولایی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۴).

از زمان پریماکوف روسیه در جهت تأمین منافع خود و در چارچوب نگاه اوراسیاگرایی جدید به بازتعریف روابط با جمهوری‌های پیرامون پرداخت (کولایی، ۱۳۸۴، ص ۱۸). روسیه از نیمه دهه ۱۹۹۰ روابط دوجانبه و چندجانبه را در کنارهم مورد توجه قرار داد. در سال ۱۹۹۶ قراردادی برای تأسیس یک شرکت مشترک برای صادرات گاز با روسیه به امضا رسید؛ شرکتی به نام «ترکمن روس گاز»^۱ که ۴۵ درصد سهم آن در اختیار گازپروم روسیه، ۴ درصد در اختیار شرکت ایترا^۲ و ۵۱ درصد در اختیار شرکت نفت و گاز ترکمنستان^۳ بود (Olcott, 2006, p. 223).

وقتی در مارس ۱۹۹۷ بدهی‌های گرجستان و اوکراین به ۱/۵ میلیارد دلار رسید، ترکمنستان قرارداد را لغو و صادرات گاز را دوباره قطع کرد (Sir, 2006, p. 137). در نهایت ترکمنستان در اواخر سال ۱۹۹۸ قرارداد جدیدی با گازپروم برای صادرات گاز به اوکراین امضا کرد. قراردادی که شرایطی به‌مراتب نامناسب‌تر از قبل را برای ترکمنستان به‌همراه داشت (Anceschi, 2009, p. 87). بحران اقتصادی سال ۱۹۹۸ در روسیه که به کاهش خرید گاز ترکمنستان توسط روسیه منجر شد، تأثیر بسیار مخربی بر اقتصاد ترکمنستان بر جای گذاشت. ترکمنستان در این سال دچار کسری در تراز پرداخت‌ها شد که تا سه سال پس از آن ادامه داشت (Helsop, 2003, p. 188; Gleason, 2003, p. 102). اما تحول مهمی که در این دوره

1. TurkmenRosgas
2. Itera
3. Turkmenneftgas

رخ داد، افتتاح خط لوله کرپژه- کردکوی در سال ۱۹۹۷ بود، که یک خط لوله غیر روسی بود و انحصار روسیه را به چالش می کشید (Bayulgen, 2009, p. 16).

از سوی دیگر، این خط لوله خطاری برای آمریکا نیز بود که هدف منزوی کردن ایران را دنبال می کرد و سبب شد آمریکا موضوع خط لوله ماورای خزر را به شکل جدی تر دنبال کند. اگر خط لوله کرپژه- کردکوی تهدیدی جدی علیه منافع روسیه نبود، ولی حضور آمریکا در منطقه ای که اینک روس ها «خارج نزدیک» می نامیدند (کولایی، ۱۳۸۵، صص. ۱۷۰-۱۶۷)، چه از نظر سیاسی و امنیتی و چه از نظر اقتصادی، با توجه به تهدید انحصار صادرات گاز روسیه به اروپا، زنگ خطری جدی برای رهبران روسیه بود. در مجموع می توان گفت با توجه به محدودیت زیرساخت های ترکمنستان و انحصار انتقال گاز توسط روسیه، ترکمنستان در دوره اول نقشی منفعل و پیرو سیاست روسیه داشت.

ب- از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴

دوره جدید از اواخر سال ۱۹۹۹ با اقدام های روسیه در برابر تهدید طرح ماورای خزر شروع شد. این طرح، علاوه بر تهدید منافع امنیتی روسیه در حوزه دریای خزر و تهدید انحصار روسیه در عرضه گاز به اروپا، چالشی علیه برنامه های گازپروم برای ساختن خط لوله جدید هم بود. گازپروم مشغول بررسی ایجاد یک خط لوله گاز از زیر بستر دریای سیاه بود که «جریان آبی»^۱ نام گرفته بود. دومای روسیه در دسامبر ۱۹۹۹ یک مجموعه کاهش مالیاتی و اقدام های تشویقی دیگر را به این طرح اختصاص داد که به در تنگنا قرار گرفتن بودجه روسیه منجر شد و بیانگر اهمیت این پروژه برای روسیه بود.

روسیه در تلاش برای بی علاقه کردن ترکمنستان به خط لوله ماورای خزر، پیشنهاد افزایش صادرات گاز ترکمنستان به روسیه در چارچوب قراردادهای طولانی مدت را ارائه کرد (آلیسون و جانسون، ۱۳۸۲، ص ۱۴۸). اما مجموعه شرایط منطقه ای و بین المللی، در نهایت روسیه را ناچار کرد به ترکمنستان به عنوان یک طرف قرارداد با شرایط و منافع مشخص، و نه تنها منبعی برای تأمین منافع و تحمیل اراده ی خود نگاه کند.

جدا از بحث خط لوله و ورود بازیگران جدید به صحنه انرژی ترکمنستان (ایران و آمریکا)، آغاز این دوره جدید هنگامی بود که رژیم ترکمنستان از نظر داخلی هم تحکیم یافته بود و بازنگری در روابط خود با محیط پیرامون و عرصه بین المللی را شروع کرده بود. روابط با روسیه هم مورد بازنگری و ارزیابی مجدد قرار گرفت. در همین راستا، با پایان یافتن قرارداد همکاری نظامی با روسیه در دسامبر ۱۹۹۹، این قرارداد تمدید نشد و حضور نظامی روسیه در ترکمنستان به پایان رسید. در مورد حفاظت از خطوط مرزی نیز به همین ترتیب، قراردادهایی که در سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۲ برای حفاظت مشترک از مرزها امضا شده بود، در ۲۰ مه ۱۹۹۹ با اعلام وزارت خارجه ترکمنستان لغو شد (Sir, 2006, pp. 134-135).

وضعیت ترکمنستان به عنوان یک کشور بی طرف، زمینه حقوقی این اقدام‌ها را از پیش فراهم کرده بود. ترکمنستان می‌خواست خود را در روابط با روسیه به عنوان یک شریک و طرف قرارداد ببیند. اما انتخاب پوتین در سال ۲۰۰۰ به ریاست جمهوری روسیه، کمک شایانی به تثبیت این روند کرد. این نقطه، پایان غلبه نگرش‌های آرمان‌گرایانه شرق و غرب محور در سیاست خارجی روسیه و آغاز دوره عمل‌گرایی^۱ برآورد شده است (کولای و نوری، ۱۳۸۶، صص ۲۵-۲۴). همچنین انتخاب پوتین آغاز نفوذ جنبه‌هایی از اقتدارگرایی در عرصه داخلی روسیه بود که سبب نزدیکی رهبران اقتدارگرای آسیای مرکزی (از جمله رهبری ترکمنستان) به روسیه شد.

از این زمان اقتصاد و انرژی به مهمترین موضوع در روابط دوجانبه روسیه و ترکمنستان تبدیل شد، چنانکه از بین بیش از ۹۰ سند بین حکومتی، بین دولتی و بین پارلمانی که در نیمه اول دهه ۲۰۰۰ برای تنظیم روابط دو طرف امضا شد، بیشتر آن متعلق به بخش سوخت و انرژی بود (Iniutin, 2006, p. 31). مهمترین قرارداد گازی که به نوعی مشخصه این دوره است، در ۱۰ آوریل ۲۰۰۳ در مسکو برای مدت ۲۵ سال (از آغاز ۲۰۰۴) به امضا رسید. هرچند بهای ثابتی برای خرید گاز در این مدت پیش‌بینی شد، اما در کنار آن میزان خرید گاز روسیه از ترکمنستان افزایش می‌یافت. مقرر شد که تا سال ۲۰۰۹ این میزان به ۸۰ میلیارد متر مکعب برسد (Laumlin, 2006, p. 22; Nanay, 2009, p. 122).

1. Pragmatism

این قرارداد توافق‌های دیگر ترکمنستان در زمینه خط لوله را کم اهمیت ساخت و ترکمنستان را به شکل کامل به خطوط لوله روسیه وابسته کرد (Ancecshi, 2009, p. 121). دولت ترکمنستان در سال ۲۰۰۳ و پیش از این قرارداد، توافق تابعیت مضاعف با روسیه را لغو کرده بود؛ اما روسیه در مقابل این اقدام واکنش نشان نداد. می‌توان این دو موضوع را به گونه‌ای در ارتباط با هم در نظر گرفت و اولویت منافع را برای روسیه دریافت. این عامل در کنار موضوع اقتدارگرایی، ترکمنستان را از نظر سیاسی به روسیه نزدیکتر کرد.

پ- از سال ۲۰۰۴ تاکنون:

سال ۲۰۰۴ از دو جنبه به نقطه آغاز دوره‌ای جدید در روابط ترکمنستان و روسیه در زمینه انرژی تبدیل شد. نخست در این سال گفت و گوهای طرح ناپوکو آغاز شد. اتحادیه اروپا در راستای افزایش امنیت انرژی، تأمین نیازهای انرژی اعضا از منابع و مسیرهای گوناگون را مورد توجه قرار داد. این امر تهدید مستقیمی را متوجه روسیه می‌کند که انحصار عرضه انرژی به اروپا را در اختیار داشته و به‌عنوان ابزار سیاست خارجی و امنیتی خود نیز از آن سود برده است.

دوم، بالا رفتن قیمت نفت و گاز در بازارهای جهانی در سال ۲۰۰۴ سبب شد ترکمنستان برای صادرات گاز خود به روسیه و اوکراین قیمت بالاتری درخواست کند. ترکمنستان به‌ویژه از این شکایت داشت که گاز پروم، گاز ترکمنستان را برای تحویل به اوکراین استفاده می‌کند. به این ترتیب ظرفیت گاز خود روسیه را برای صادرات به اروپای غربی آزاد کرده و گاز خود را در آنجا به ۳ برابر قیمت گاز ترکمنستان به فروش می‌رساند (Nanay, 2009, p. 122). این تحولات سبب شد در مرحله اول روسیه موافقت کند که از سال ۲۰۰۵ تمام بهای گاز خریداری شده را به صورت نقدی به ترکمنستان پرداخت کند.

درگذشت نیازاف در ماهیت اقتدارگرایی نظام سیاسی ترکمنستان و نیز اصول کلی سیاست خارجی آن تغییری به وجود نیاورد. اما به‌گمان برخی، رئیس‌جمهور جدید (بردی محمداف) در عرصه سیاست خارجی بیش از سلف خود واقع‌گرا^۱ است. افزایش قیمت گاز ترکمنستان

در سال‌های بعدی نیز ادامه یافت، به‌گونه‌ای که در نیمه اول سال ۲۰۰۸ به ۱۳۰ دلار و در نیمه دوم آن به ۱۵۰ دلار در هر ۱۰۰۰ متر مکعب رسید.

در این میان، بازیگر جدیدی به‌نام چین وارد عرصه رقابت برای گاز ترکمنستان شد. در سال ۲۰۰۶ اولین قراردادها بین چین و ترکمنستان به امضا رسید که مهمترین آن در ارتباط با احداث خط لوله گاز از ترکمنستان به غرب چین بود. چین موفق شد قراردادهایی برای حفاری جهت استخراج نفت و گاز با ترکمنستان امضا کند (Koolae & Tishehyar, 2009, pp. 9-10). هرچند مسیر شرقی که چین به‌دنبال آن بود تهدیدی را متوجه بازار اصلی روسیه (اروپا) نمی‌کرد، اما به هر حال متنوع شدن گزینه‌های صادرات برای ترکمنستان، دست این کشور را برای مانور در مقابل روسیه بازتر می‌کرد.

انحصار روسیه بر بازار اروپا نیز دست نخورده باقی نماند و استفاده از خط لوله جنوب قفقاز^۱، در این حوزه نیز روسیه را با چالش مواجه کرد. این خط لوله که به خط لوله باکو - تفلیس - ارزروم نیز معروف است در تکمیل پروژه نفتی باکو - تفلیس - جیحان مطرح شده است. هرچند این خط لوله هنوز پایین‌تر از ظرفیت کار می‌کند، اما گرجستان و ترکیه در حال حاضر مصرف‌کننده گاز آن هستند (Nanay, 2009, p. 110). روسیه در مقابل این چالش‌ها احداث خطوط لوله جدید را مورد توجه قرار داد. در سال ۲۰۰۷، روسیه قراردادی با ترکمنستان و قزاقستان برای احداث خط لوله‌ای با نام خط لوله ساحلی دریای خزر^۲ امضا کرد که ظرفیت انتقال آن سالانه ۱۰ میلیارد متر مکعب در نظر گرفته شده بود (Pomfret, 2008, p. 29).

خط لوله جریان شمالی در شمال اروپا و از راه دریای بالتیک و خط لوله جریان جنوبی در جنوب اروپا و از راه دریای سیاه نیز در همین ارتباط مورد توجه قرار گرفتند. مطرح شدن پروژه نابوکو، روسیه را برای اجرای دو طرح یاد شده جدی‌تر کرد. عملیات ساخت خط لوله جریان شمالی در ۹ آوریل ۲۰۱۰ آغاز شد (RFE-RL, 11/4/2010). برای عملی شدن پروژه جریان جنوبی نیز، موافقت‌نامه‌ای بین روسیه و اتریش در ۲۴ آوریل سال جاری به امضا رسید (RFE-RL, 25/4/2010).

-
1. South Caucasus Pipeline(SCP)
 2. Prikaspiisky Pipeline

گازپروم در سال ۲۰۰۸ اعلام کرد از ابتدای سال ۲۰۰۹ قیمت‌های جهانی را برای گاز ترکمنستان پرداخت خواهد کرد. به این ترتیب قراردادهای پیشین اعتبار خود را از دست دادند و ترکمنستان برای اولین بار به بهای واقعی گاز صادراتی خود دست یافت. روسیه هم با اعمال فشار بر اوکراین برای افزایش قیمت گاز، در ابتدای سال ۲۰۰۹ یک بحران گازی به وجود آورد که تلاش اتحادیه اروپا برای راه اندازی پروژه نابوکو را سرعت بخشید (Aseeva, 2010, p. 127-138).

حادثه دیگری نیز در سال ۲۰۰۹ و این بار بین خود ترکمنستان و روسیه روی داد و آن انفجار خط لوله در ماه آوریل ۲۰۰۹ بود که صادرات گاز ترکمنستان به روسیه را به حال تعلیق درآورد. پس از ۹ ماه دو کشور به توافقی مجدد دست یافتند؛ که با وجود تمدید صادرات گاز ترکمنستان به روسیه، حجم آن را به میزان قابل توجهی کاهش داده است (ایراس، ۲۱ دی ۱۳۸۸). در این دوره خط لوله ترکمنستان - چین و خط لوله دوم ترکمنستان - ایران نیز به بهره‌برداری رسید. رئیس جمهور ترکمنستان در اواخر ماه مه ۲۰۱۰ فرمان آغاز ساخت خط لوله‌ای از شرق به غرب این کشور را صادر کرد. این خط لوله با قابلیت انتقال سالانه ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز، می‌تواند به‌عنوان اقدام عملی ترکمنستان برای پیوستن به نابوکو برآورد شود (Rianovosti, 1/6/2010)، که می‌تواند چالش جدیدی برای روسیه باشد. در نهایت ترکمنستان توانست شرایط عادلانه را از نظر قیمت به روسیه بقبولاند و قدرت چانه زنی خود را نیز به موازات افزایش گزینه‌های صادراتش افزایش دهد.

آنچه می‌تواند سبب نگرانی روسیه شود، به چالش کشیده شدن انحصارش در اروپا است. اما بر اساس توافقی‌هایی که پس از بحران اوکراین صورت گرفت، گازپروم گاز را از ترکمنستان خریده و آن را به یکی از شرکت‌های واسطه^۱ می‌فروخت که در نهایت این شرکت وظیفه فروش آن به اوکراین را به‌عهده داشت (Overland & Tromso, 2009, p. 11). این روند، تا زمان تغییر هیئت حاکمه غرب‌گرا در اوکراین ادامه یافت. در ضمن، بردی محمداف هنوز از روسیه به‌عنوان شریکی استراتژیک و قابل اتکا یاد می‌کند (Rianovosti, 16/3/2010).

نتیجه

با مروری بر نزدیک به دو دهه روابط ترکمنستان با روسیه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، روشن می‌شود که موضوع انتقال انرژی برای هیچ یک از دو طرف فقط یک بحث اقتصادی نیست. در رابطه با روسیه، حفظ انحصار تجارت و عرضه گاز به اروپا، به‌عنوان ابزاری سیاسی و دیپلماتیک از سوی این کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. آشکار است که حتی با احداث خط لوله دیگری به اروپا، گازپروم باز هم بازار خود را خواهد داشت، اما حفظ انحصار عرضه گاز برای روسیه دو منفعت بین‌المللی و منطقه‌ای دارد.

در بعد بین‌المللی، این عامل به‌عنوان ابزار فشاری به غرب در گفت‌وگو و چانه‌زنی‌های گوناگون، برای تحمیل اراده و خواست خود مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بعد منطقه‌ای نیز جلوگیری از ورود غرب و به‌شکل ویژه آمریکا در خارج نزدیک، مورد نظر دولت‌مردان این کشور است. بحران گازی اوایل سال ۲۰۰۹ را نیز بر همین اساس می‌توان تحلیل کرد. روسیه با قطع صادرات گاز از سویی به‌قدرت‌نمایی در مقابل غرب پرداخت و از سوی دیگر به تنبیه دولتی در خارج نزدیک پرداخت که گاه و بیگاه از خود تمایلات و اگراییانه بروز می‌داد.

در رابطه با ترکمنستان نیز نتیجه فوق‌قابل‌استناد است؛ روسیه تا جایی که شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی مهیا بود، حداکثر کردن منافع اقتصادی خود را در نظر داشت، اما هنگامی که ناچار از انتخاب بین اولویت اقتصادی و امنیتی شد، با پذیرفتن پرداخت قیمت‌های بازار به ترکمنستان، ترجیح اولویت‌های امنیتی را نشان داد.

ترکمنستان نیز هرچند پس از استقلال، رهایی از وابستگی اقتصادی و سیاسی به روسیه را به‌عنوان یک اولویت شناسایی کرده و سیاست بی‌طرفی را نیز در همین راستا دنبال کرده، اما در این دوره خود را از دو جنبه نیازمند روسیه یافته است. اول، انتقال انرژی که به‌ویژه در دهه اول پس از استقلال به‌دلیل دور از دسترس بودن گزینه‌های بیشتر خودنمایی می‌کرد. اما جنبه دوم هنگامی مطرح شد که ترکمنستان با کسب آزادی عمل نسبی توانست بین شریک‌های گوناگون دست به انتخاب بزند. رخدادها نشان داد ترکمنستان شریک‌هایی را ترجیح می‌دهد که تهدیدی متوجه ماهیت اقتدارگرایی آن نکنند. گسترده‌ترین روابط در زمینه انرژی، پس از روسیه با چین برقرار شد که خود دارای رژیم اقتدارگرا است.

در واقع باید گفت که ترکمنستان در صحنه بین‌المللی از سویی به دنبال تثبیت خود به‌عنوان دولتی مستقل و از سوی دیگر در پی شریک‌هایی قدرتمند و قابل اتکا است. از آنجا که روسیه در دوره پوتین، آرمان‌گرایی اوراسیاگراها را رها کرده و ترکمنستان را شریک و طرف قرارداد خود می‌بیند، سبب جذب ترکمنستان به خود و تحکیم روابط دوجانبه می‌شود. علاوه بر این، روسیه نیز با در نظر داشتن تجربه انقلاب‌های رنگی، نفع مشترکی در حمایت از اقتدارگرایی ترکمنستان برای خود می‌یابد.

در مجموع دو کشور به مرور زمان در روابط خود به‌نوعی واقع‌بینی و واقع‌گرایی رسیده‌اند و نفع مشترک، آن دو را در جنبه‌های خاصی از سیاست خارجی‌شان هم‌راستای یکدیگر قرار داده است. هرچند نمی‌توان ترکمنستان را وابسته به روسیه دانست، اما با توجه به برتری همه جانبه روسیه، ترکمنستان نفع خود را در حفظ رابطه قوی با این کشور و توجه به اولویت‌های سیاسی و امنیتی آن دیده است.

منابع و ماخذ

الف - فارسی

۱. آلیسون، روی و لنا جانسون (۱۳۸۲)، امنیت در آسیای مرکزی: چارچوب نوین بین‌المللی، محمد رضا دبیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲. امضای موافقت‌نامه نهایی خط لوله ماورای افغان، سایت برنامه اوراسیای مرکزی، <http://cep.ut.ac.ir/fa/pages/114.htm> (21 December 2010).
۳. ابراهیمی، محمد (۱۳۸۴)، "استراتژی انرژی روسیه، ظرفیت‌ها و اقدام‌ها"، مجموعه مقالات دوازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴. امامی میبدی، علی و بشیر اسماعیلی (۱۳۸۷)، "چین و منابع انرژی حوزه دریای خزر"، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۲.
۵. حیدری، محمد علی (۱۳۸۸)، "امنیت انرژی اروپا و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۶.
۶. رمضان زاده، عبدالله و سید حمید حسینی (۱۳۸۹)، "جایگاه گازپروم در راهبرد انرژی روسیه"، مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۶.

۷. سایت ایراس، تاریخ خبر: ۱۳۸۸/۷/۲۵، "کشف چهارمین میدان بزرگ گازی دنیا در ترکمنستان"، در: <http://iraneurasia.ir/fa/pages/?cid=> (تاریخ مشاهده: ۱۳۸۸/۷/۲۵)
۸. سایت ایراس، تاریخ خبر: ۱۳۸۸/۱۰/۲۱، "از سرگیری صادرات گاز ترکمنستان به روسیه"، در: <http://iraneurasia.ir/fa/pages/?cid=8976> (تاریخ مشاهده: ۱۳۸۸/۱۰/۲۴)
۹. عیسی زاده، اکبر (۱۳۸۳)، "نگاهی به روند صادرات گاز ترکمنستان و نقش جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۶.
۱۰. فیاضی، محسن (۱۳۸۶)، "رقابت پیرامون انرژی آسیای مرکزی و قفقاز"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۰.
۱۱. کولایی، الهه (۱۳۸۴)، بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی: زمینه‌ها و چشم اندازها، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۲. کولایی، الهه (۱۳۸۵)، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
۱۳. کولایی، الهه و علیرضا نوری، (۱۳۸۶)، "تحول در سیاست خارجی روسیه در دوران پوتین"، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۶.
۱۴. کولایی، الهه و علیرضا نوری، (۱۳۸۹)، "عمل‌گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه"، فصلنامه سیاست، دوره ۳۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹، صص. ۲۲۰-۲۰۹.
۱۵. کولایی، الهه (۱۳۸۹)، سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، چاپ دوم، تهران: سمت.
۱۶. موسوی، سید رسول (۱۳۸۷)، "ترکمنستان پس از ترکمن باشی: چالش‌های داخلی و خارجی انتقال قدرت"، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۱.

ب- انگلیسی

1. Anceschi, Luca (2009), **Turkmenistan's Foreign Policy: Positive Neutrality and the Consolidation of Turkmen Regime**, London and New York: Routledge
2. Anceschi, Luca (2008), "Analyzing Turkmen Foreign Policy In the Berdymuhammedov Era", **China and Eurasia Forum Quarterly**, Vol. 6, No.4
3. Aseeva, Anna (2010), "Rethinking Europe's Gas Supplies After the 2009 Russia - Ukraine Crisis", **China and Eurasia Forum Quarterly**, Volume 8, No.1
4. **BBC**(14/12/2009), "China President Opens Turkmenistan Gas Pipeline", available at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/8411204.stm>, (15/12/2009)
5. **BBC**(6/1/2010), "Turkmenistan Opens New Iran Gas Pipeline", available at: <http://news.bbc.co.uk/2/hi/8443787.stm>, (accessed on 10/1/2010)

6. Bayulgen, Oksan(2009), "Caspian Energy Wealth; Social Impacts and Implications for Regional Stability" In: A. E. Wooden, & C. H. Stefes, **The Politics of Transition in Central Asia and the Caucasus**, London and New York: Routledge
7. Bohr, Annette(2003), "Independent Turkmenistan: From Post-Communism to Sultanism" in: S.N.Cummings, **Oil, Transition and Security in Central Asia**, London and New York: Routledge
8. Ganzi, Germana(2004), "Turkmenistan's Caspian Resources and its International Political Economy" In: S. Akiner, **The Caspian; Politics, Energy and Security**, London and New York: Routledge
9. Gleason, Gregory(2003), **Markets and Politics in Central Asia**, London and New York: Routledge
10. Helsop, Helen Boss (2003), "The Caspian States of the Former Soviet Union; Economic Performance since 1998" in: S.N.Cummings, **Oil, Transition and Security in Central Asia**, London and New York: Routledge
11. Iniutin, Ivan(2006), "Russian Strategy in Central Asia and the Caucasus", **Central Asia and the Caucasus**, Nol. 38. No. 2.
12. Kahveci, Hayrie(2003), "Oil and Gas Sector in the Post-Soviet Turkmenistan: Opportunities and Challenges", available at: www.obiv.org.tr/2003/AVRASYA/hkahveci.pdf, (accessed on 7/12/2009)
13. Koolae, Elahe & Mandana Tishehyar (2009), "China's Energy Security Approach in the Central Asia", **International Conference on Eurasian Peace and Cooperation: Challenges and Opportunities**, Kashmir: University of Kashmir
14. Laumlin, Murat(2006), "Gasprom as a Transnational Corporation and Central Asia and the Caucasus", **Central Asia and the Caucasus**, Vol. 42, No.6.
15. Nanay, Julia (2009), "Russia's Role in the Eurasian Market: Seeking Control in the Face of Growing Challenges", **Russian Energy Power and Foreign Relations: Implications for Conflict and Cooperation**, London and New York: Routledge
16. Olcott, Martha Brill(2006), "International Gas Trade in Central Asia: Turkmenistan, Iran, Russia and Afghanistan", **Natural Gas and Geopolitics from 1970 to 2040**, New York: Cambridge university press
17. Overland, Indra & Oslo Tromso(2009), "Natural Gas and Russia –Turkmenistan Relations", **Russian Analytical Digest**, No.56, available at: <http://se2.isn.ch>, (accessed on 5/12/2009)
18. Pomfret, Richard(2008), "Turkmenistan's Foreign Policy", **China and Eurasia Forum Quarterly**, Vol. 6, No.4
19. **RFE-RL**(2010), "Medvedev Launches Nord Stream Pipeline Construction", available at: <http://www.rferl.org/articleprintview/2007492.html>, (accessed on 12/4/2010)
20. **RFE-RL**(2010), "Austria Signs on to South Stream", available at: <http://www.rferl.org/articleprintview/2023452.html>, (accessed on 26/4/2010)

21. **Rianovosti**(16/3/2010), “Turkmenistan Views Russia as Strategic Partner”, available at: <http://en.rian.ru/exsoviet/20100316/158211354.html>, (accessed on 6/6/2010)
22. **Rianovosti**(1/6/2010), “Turkmenistan Starts Building \$2 bln East – West Gas Pipeline”, available at: <http://en.rian.ru/business/20100601/159246295.html>, (accessed on 6/6/ 2010)
23. Roberts, John(2003) “Caspian Oil and Gas; How Far We Come and where are We Going” in: S.N.Cummings, **Oil, Transition and Security in Central Asia**, London: Routledge
24. Roberts, John(2004), “Pipeline Politics” in: S. Akiner, **The Caspian; Politics, Energy and Security**, London and New York: Routledge
25. Shaymergenov, Timur(2006) “Geopolitics and Energy Diplomacy in Central Asia and the Caspian”, **Central Asia and the Caucasus**, Vol. 41, No. 5.
26. Sir, Jan(2006) “The Russian Vector in Turkmenistan’s Foreign Policy”, **Central Asian and the Caucasus**, Vol. 40, No. 4.